

مصاحبه هنگام ترک بیمارستان - 24 / شهریور / 1393

خبرنگار: سلام علیکم.
سلام علیکم و رحمة الله.

خبرنگار: حضرت آقا! به محضرتان عرض ادب و احترام دارم.
زنده باشید.

خبرنگار: خدا را شکر که پس از یک هفته از عمل جراحی، حضرتعالی امروز در حال ترک بیمارستان هستید. مردم علاقه‌مند ما و ملت‌های مسلمان و علاقه‌مند حضرتعالی در سراسر جهان، مشتاقند در مورد وضعیت جسمانی حضرتعالی و آخرین لحظاتی که در بیمارستان بودید بشنوند.

بسم الله الرحمن الرحيم. بحمد الله دوره‌ی عمل جراحی و مقدمات و دنباله‌های آن به بهترین وجهی انجام گرفت؛ من الان علی‌الظاهر با سلامت کامل دارم به منزل برمیگردم. جسم سالم است ولیکن دل و روح، سنگین‌بار از حجم عظیم محبت‌ها و ملاحظت‌ها و تلافیهایی که در این مدت نسبت به من صورت گرفت؛ یعنی حقیقتاً دوش انسان سنگین‌بار میشود از این همه محبتی که مردم - قشرهای مختلف - به ما اظهار کردند و ابراز کردند؛ و روزی نبود که صدها، هزارها پیام محبت، مثل قطرات باران حیات‌بخشی که هر دل مرده‌ای را و هر زمین خشکیده‌ای را با طراوت میکند از طرف مردم بر دل و جان این حقیر نازل نشود؛ علمای محترم، مراجع محترم، شخصیت‌ها، مدیران برجسته‌ی کشور و آحاد مردم از قشرهای مختلف. به قدری نسبت به من اظهار محبت انجام گرفته که من واقعاً خودم را شرمنده می‌یابم در مقابل این همه لطفی که به من در این مدت انجام گرفت. علاوه‌ی بر مردم کشورمان، از سوی ملت‌های دیگر - که من همیشه تأکید کرده‌ام که ملت ایران یک عمق راهبردی‌ای دارد که اختصاصی او است و هیچ کشوری را و هیچ نظامی را ما سراغ نداریم که در خارج از مرزهای خودش این همه ریشه‌های لطف و محبت و پیوند عاطفی و پیوند اعتقادی و ایمانی، آنها را به هم وصل بکند، [ولی] ما این را داریم - هم در این چند روز این را مشاهده کرده‌ایم. به هر حال بله، جسماً سالمم، روحاً هم بحمد الله بانشاطم، اما شرمنده‌ی این همه محبت و لطفی هستم که نسبت به این حقیر در طول این یک هفته از جوانب مختلف و از گروه‌های مختلف - از سیاسیون، از اصناف و قشرهای مختلف مردم، از هنرمند و ورزشکار؛ همین‌هایی که حالا دیده شد و چندین برابر این، که دیده نشد - به من لطف کردند یا نوشتند یا در وسائل الکترونیک پخش کردند و اظهار محبت کردند. امیدواریم ان شاء الله خدای متعال به همه‌ی آنها جزای خیر بدهد.

و اما مسئله‌ی پزشکی و کار پزشکی؛ یک مقوله این است که من از این پزشکان و دست‌اندرکاران درمانی تشکر کنم؛ خوب، این یک وظیفه‌ی حتمی و قطعی است؛ کار را واقعاً عالی انجام دادند؛ لکن بالاتر از تشکر این است که من به این دکترهای خودمان افتخار کردم. من افتخار میکنم که ایران عزیز ما از لحاظ سطح پزشکی و توانایی‌های پزشکی در سطحی قرار دارد که جای آن دارد که ملت ما به وجود این تعداد پزشک، چه جراح، چه پزشک‌های داخلی، چه انواع و اقسام کسانی که خدمات پزشکی انجام میدهند، چه پرستاران، واقعاً افتخار کند که ما الحمدالله این ثروت عظیم را در اختیار داریم؛ ثروت عظیم نیروی انسانی در یکی از اساسی‌ترین و حیاتی‌ترین بخش‌هایی که برای زندگی انسان و یک جامعه مهم است یعنی بخش سلامت و بهداشت. من میبینم که چقدر اینها احساس تکلیف دارند و احساس وظیفه دارند؛ و چقدر دانشمندند و چقدر در کار خودشان ماهرند؛ که خوب این را من میدانستم یعنی من همیشه نگاهم به این جامعه‌ی پزشکی و جامعه‌ی درمان‌کننده همین‌جور نگاه‌ی بوده؛ اما وقتی انسان خودش زیر دست اینها قرار میگیرد و نحوه‌ی کار اینها را میبیند، آن «علم‌الیقین» تبدیل میشود به «عین‌الیقین»؛ انسان به‌طور

محسوس حس میکند که ما واقعاً چه ثروت عظیمی از وجود این پزشکان عزیزمان داریم. و امیدواریم که ان شاءالله خدای متعال به همه‌شان اجر بدهد.

البته گفتم بحث تشکر کردن ما هم از اینها که با این دو سه کلمه تشکر تمام نمیشود؛ من به آقای دکتر مرندي (۱) گفتم که این تکلیف را من از شما میخواهم - که ایشان خب زحمت کشیدند، مسئولیت هیئت پزشکی ما را بر عهده گرفتند، مثل همیشه که محبت دارند - هم ایشان هم آقای دکتر سجادی، اینها بایستی در واقع از طرف من هرجور که میدانند و با هر زبانی که میدانند، از این عزیزان تشکر کنند.

و اما یک مطلبی هم خارج از مسئله‌ی بیمارستان و بیماری و محیط بیمارستان عرض بکنم و آن اینکه من این چند روزه - این دوسه روز آخر - تفریحی داشتم و آن تفریح عبارت از این بود که گوش میکردم به حرفهای آمریکایی‌ها در زمینه‌ی داعش و مبارزه‌ی با داعش و حرفهایی که میزنند؛ حرفهای پوچ و توخالی و جهت‌دار. از جمله‌ی آن چیزهایی که برای من واقعاً مایه‌ی تفریح بود، این بود که دیدم، هم وزیر خارجه‌ی آمریکا، هم آن دختر - سخنگوی‌شان که می‌آید و می‌ایستد آنجا حرف میزند - (۲) صریحاً گفتند که ما از ایران برای ائتلاف علیه داعش دعوت نمیکنیم! اولاً چه افتخاری بالاتر از این برای ما که آمریکا در یک کار دسته‌جمعی، در یک کار خلاف غلطی که دارند انجام میدهند، از ما مایوس باشد و نخواهد که ما باشیم؛ این برای ما مایه‌ی افتخار است، مایه‌ی تأسف نیست. ثانیاً دیدم همه‌شان دروغ میگویند؛ برای اینکه همان روزهای اولی که مسئله‌ی داعش در عراق پیش آمد، آمریکایی‌ها به وسیله‌ی سفیرشان، (۳) از سفیر ما در عراق، (۴) درخواست کردند که بیایید بنشینیم درباره‌ی داعش با هم هماهنگی کنیم. سفیر ما این را منعکس کرد؛ بعضی از مسئولین ما هم حرفی نداشتند، من مخالفت کردم؛ گفتم در این قضیه، ما بخصوص با آمریکا همراهی نمیکنیم؛ چون اینها خودشان دستشان آلوده است؛ در این قضیه ما چطور بیاییم با کسانی که دستشان آلوده است و نیتشان آلوده است همکاری کنیم؟ بعد از آن هم همین آقای وزیر خارجه‌ای (۵) که این حرف را آمد جلوی چشم همه‌ی دنیا پشت دوربین گفت که «ما از ایران همکاری نمیخواهیم»، همین ایشان، شخصاً از آقای دکتر ظریف (۶) درخواست کرده بود که بیایید ما در این قضیه همکاری کنیم؛ دکتر ظریف رد کرد. معاون او هم - که او هم یک زنی است که می‌بینید، می‌شناسید - (۷) از آقای عراقچی (۸) در مذاکراتش درخواست کرده بود که بیایید ما همکاری کنیم؛ اینها رد کردند. بعد از آنکه آنها رد کردند و ما صریحاً گفتیم با شما در این قضیه همکاری نمیکنیم، حالا میگویند ما ایران را نمیخواهیم وارد کنیم! اینها قبل از این یک ائتلافی علیه سوریه تشکیل دادند - با سروصدای فراوان در اطراف عالم؛ سی کشور، چهل کشور، پنجاه کشور را جمع کردند - هیچ غلطی نتوانستند بکنند در مورد سوریه؛ در مورد عراق هم همین است. نمیخواهند هم کار جدی‌ای بکنند. آن حرکتی که علیه داعش انجام گرفت و کمر داعش را در عراق شکست، این کار آمریکایی‌ها نبود؛ خود آنها هم خوب میدانند، داعشی‌ها هم خوب میدانند، مردم عراق هم خوب میدانند؛ میدانند کار مردم عراق بود، کار ارتش عراق بود، کار نیروهای مردمی‌ای بود که به‌خوبی یاد گرفته بودند چه‌جوری باید با داعش مبارزه کنند؛ و مبارزه کردند و تا اینجا ضربه‌های جدی‌ای را وارد کردند، بعد از این هم ضربه را اینها وارد خواهند کرد؛ حالا خواهند دید. آمریکا با این کار، میخواهد بهانه‌ای پیدا کند که همچنان که در پاکستان با وجود دولت مستقر، با وجود ارتش قوی - ارتش پاکستان ارتش قوی‌ای است - بدون اجازه وارد پاکستان میشود و هرجا را دلش میخواهد بمباران میکند، میخواهد در عراق و سوریه هم چنین کاری را انجام بدهد؛ بدانند که اگر چنانچه چنین اقدامی بکنند، همان مشکلاتی بر سر راهشان به‌وجود خواهد آمد که در این ده سال گذشته در قضیه‌ی عراق برایشان به‌وجود آمد. غرض، تماشا کردن این قضایا برای ما یک تفریحی بود، آن هم روی تخت بیمارستان.

خبرنگار: خیلی متشکریم؛ قلب میلیون‌ها انسان پاک، بدرقه‌ی راه حضرتعالی و دعایشان همیشه همراهتان است. زنده باشید.

خبرنگار: ما ملتمس دعا هستیم.
ان شاء الله موفق باشید.

- ۱) دکتر علیرضا مرندی
- ۲) ماری هارف (سخنگوی وزارت خارجهی آمریکا)
- ۳) رابرت استفان بی کرافت
- ۴) آقای حسن دانایی فر
- ۵) جان کری
- ۶) آقای محمدجواد ظریف (وزیر امور خارجه)
- ۷) وندی شرمن (معاون سیاسی وزارت خارجهی آمریکا)
- ۸) آقای عباس عراقچی (معاون حقوقی و بین الملل وزارت امور خارجه)